

تبیین ابعاد اجرای شاخص‌های محیط زیستی در منطقه خلیج فارس با تاکید بر

سند ۲۰۳۰

شیما نادری*

دانش آموخته دکترا، گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(مروری)

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸)

<http://dx.doi.org/10.52547/sdge.3.4.16>

چکیده

مساله پایداری توسعه در کشورهای توسعه یافته و یا کشورهای با پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی، محدوده توسعه پایدار را از مرزهای ملی، خارج و به سوی حاکمیت جهانی، تقویت و اداره می‌نماید. اهمیت این نوشتار، در وجود ذخایر عظیم نفت، گاز، گذرگاه تنگه هرمز و نیاز جهان صنعتی به این منابع است که بدین وجه به مطالعه موردی خلیج فارس که همچنین از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی در عرصه بین‌الملل برخوردار است؛ پرداخته می‌شود. فرضیه این مقاله بر این مبنا استوار است که ضمن تأمل در اهداف کلان ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷ از دستور کار ۲۰۳۰ با گذری بر اینکه آیین‌ها از طریق تعیین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی (سه رکن اساسی توسعه پایدار)، اجرا می‌گردد و مسلماً حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس از طریق اجرای شاخص‌های توسعه پایدار عینیت می‌یابد؛ می‌توان امیدوار بود که اهداف توسعه پایدار، محیط زیست دریایی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشورهای حوزه این خلیج با الگوبرداری از سند ۲۰۳۰ می‌توانند به حل دغدغه‌های زیست‌محیطی از طریق قانونگذاری داخلی و بومی بپردازند.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، خلیج فارس، دستور کار ۲۰۳۰، محیط زیست دریایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توسعه پایدار از دو قسمت توسعه و پایداری تشکیل شده است و در نتیجه توسعه پایدار، یعنی پایداری در اشیا، حفظ محیط طبیعی و تعادل اجتماعی از طریق فرایندهای رشد و تغییر و برطرف نمودن نیازهای معقول انسانی (Lele, 1995). توسعه پایدار از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌آید. وقتی در یک جامعه‌ای از توسعه به‌طور مطلق صحبت می‌شود در واقع منظور توسعه در ابعاد گوناگون می‌باشد. بدون تردید جامعه توسعه یافته جامعه‌ای است که در آن توسعه در ابعاد گوناگون تحقق یافته باشد (غالی، ۱۳۸۱). آیین‌های توسعه پایدار از جنبه‌های مختلف پایداری یا ثبات برخوردار است. این آیین‌ها از طریق تعیین شاخص‌ها، اجرا می‌گردد. ضمن تأمل در مفهوم توسعه پایدار، می‌توان دریافت که شاخص‌های توسعه پایدار محیط زیست از اجزای تشکیل دهنده این آیین‌ها است. شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی، سه رکن اساسی توسعه پایدار می‌باشند. در نهایت بررسی توسعه پایدار به مفهوم واقعی آن، نیازمند درک شاخص‌های آن از زوایای گوناگون است. اهمیت پرداختن به این موضوع آنجاست که بررسی ابعاد مختلف توسعه پایدار، ابهامات ماهیتی آن را شفاف می‌نماید و در نتیجه اجرای ضرورت‌های برشمرده منجر به تحقق توسعه پایدار می‌شود؛ لذا توسعه پایدار همانند مثلی است که سه ضلع آن، ضرورت توجه هم‌زمان به اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست است (شهبازی، ۱۳۸۹). در توسعه پایدار، اهداف توسعه باید به گونه‌ای دنبال شود که مبانی اکولوژیک زمین نابود نگردد. این نوع از توسعه هم یک ضرورت آنی و هم یک اصل عملی برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. این را باید اضافه کرد که سیاست‌های توسعه نمی‌تواند تنها محدود به کشورهای در حال توسعه باشد؛ بلکه باید در مورد تمام کشورهای جهان اعمال شود. اولویت‌های توسعه در کشورهای جهان باید با توجه به بستر توسعه یعنی محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. در تدوین مقررات نیز رشد و توسعه باید به موازات امر حفاظت از محیط زیست و منابع مورد توجه واقع شود (کرم زاده،

۱۳۸۲). در سند نهایی اجلاس جهانی سال ۲۰۰۵ سازمان ملل، به «توسعه اقتصادی»، «توسعه اجتماعی» و «حفاظت از محیط زیست» به عنوان ارکان توسعه پایدار اشاره شده است. در واقع، توسعه پایدار بر پایه این فرض بنا نهاده شده است که جوامع نیازمند مدیریت سه نوع از سرمایه‌هایشان، یعنی سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، هستند که ممکن است تجدیدنپذیر باشند و مصرف آن‌ها نیز ممکن است اجتناب ناپذیر باشد (شهاب الدین، ۱۳۹۲). به همین دلیل در فصل چهارم دستورکار ۲۱ بر تدوین و بسط شاخص‌های توسعه پایدار و استفاده از آنها برای سنجش و اندازه‌گیری توسعه پایدار تاکید شده است. پس از تصویب دستورکار ۲۱ در سال ۱۹۹۲، همواره یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در این خصوص این موضوع بوده است که چگونه می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای مختلف را برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت آنان به سمت توسعه پایدار اندازه‌گیری کرد. با این حال به دلیل نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جوامع مختلف تا مدت‌ها اجماع کاملی در مورد شاخص‌های توسعه پایدار و روش‌های سنجش و اندازه‌گیری آنها وجود نداشت، لیکن با برگزاری کنفرانس ریو ۲۰+ در سال ۲۰۱۲ این موضوع در دستور کار قرار گرفت تا بتوان شاخص‌های جامع و فراگیری در این خصوص برای سنجش توسعه پایدار تدوین کرد (پورا صغر سنگاچین، ۱۳۹۴). با توجه به دستور کار ۲۱ در گذشته و سند نهایی ریو که سرلوحه‌ای برای دولت‌ها به شمار می‌رفته اکنون دستور کار ۲۰۳۰ را پیش رو داریم. هدف نهایی سند ۲۰۳۰ آماده کردن جهان برای رویارویی با چالش‌های قرون آتیه است و دولت‌ها نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف دستور کار ۲۰۳۰ برای بالا بردن سطح همکاری و تعاون در زمینه محیط زیست و توسعه ایفا می‌کنند. در واقع دستور کار ۲۰۳۰ ادامه دهنده دوره سوم توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد که از سال ۲۰۱۲ آغاز گردیده است و اذعان دارد که توسعه پایدار یک انتخاب نیست، بلکه تنها راه پیش روی ماست. در این راستا این سند ۲۰۳۰ است

و بر این باور است که هر فعالیتی که محیط اجتماعی را نامتعادل سازد، نمی‌تواند توسعه پایدار را دربر داشته باشد (کرمی، فنایی، ۱۳۷۳).

معیار کلی برای تشخیص پایداری در اجرای شاخص‌های مذکور، ایجاد تعادل مطلوب میان ۳ مکتب توسعه پایدار اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. محیط‌زیست بستر و زمینه لازم برای توسعه تلقی می‌گردد و حفاظت و نگهداری از آن نیز هرگز مانعی در راه توسعه محسوب نمی‌گردد؛ از این رو صلاحیت دولت‌ها در ارتباط با مدیریت توسعه‌ای، محدود می‌گردد. به علاوه اصل ۲۷ اعلامیه ریو از دولت‌ها تقاضا می‌کند که در راستای توسعه حقوق بین‌الملل، در زمینه توسعه پایدار با یکدیگر همکاری کنند (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵).

مواد و روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق ابزار کتابخانه‌ای، اینترنتی و سایت‌های حقوقی نگارش گردیده است و با هدف بررسی اهداف توسعه پایدار که محیط زیست دریایی خلیج فارس را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد به جایگاه نقش کشورهای حوزه خلیج فارس می‌پردازد.

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس و همسویی

آن با توسعه پایدار

موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آنها دارد. ژئوپلیتیک مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست که با توجه به ملاحظات جغرافیایی خود سیاست‌گذاری می‌کنند. منابع ساحلی و دریایی، نقش اساسی در رفاه انسان و توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان بازی می‌کنند. استفاده پایدار و حفاظت دریایی و اکوسیستم‌های ساحلی و تنوع زیستی شان برای دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ به ویژه برای جزایر کوچک در حال توسعه ضروری است (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۷).

که دستور کار مهمی برای حفاظت محیط زیست خلیج فارس با توجه به وجود خلأ قانونی در زمینه دستیابی به توسعه پایدار در بستر محیط‌زیست دریایی به‌ویژه خلیج فارس را در نظر دارد. آرمان‌های سند ۲۰۳۰ مجموعه منسجمی از وظایف کشورها را تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده و با استفاده از تجربیات پیشین یعنی اهداف توسعه هزاره به ارائه راهبردهایی برای حل مشکلات کره زمین در زمینه فقر، آب سالم، محیط‌زیست، عدالت، انرژی و آموزش می‌پردازد. دستور کار ۲۰۳۰ به نوعی مکمل اهداف تحقق نیافته سند توسعه هزاره (۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵) است. ضمن اینکه در مقدمه این سند بیان شده است که با اسناد بین‌المللی پیوند دارد و همچنین اجرای آن در چارچوب تعهدات بوده و بر مبنای اصول و اهداف منشور سازمان ملل متحد در ارتباط با حقوق بین‌الملل است (ماده ۱۰ دستور کار ۲۰۳۰). در این مقاله سعی شده است به منظور درک بهتر از مفهوم توسعه پایدار که قریب به ۳۲ سال از طرح این اندیشه در سال ۱۹۸۳ در «کمپسیون جهانی محیط زیست و توسعه» می‌گذرد؛ به تحلیل اهداف کلان ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷ از ۱۷ هدف اصلی مندرج در سند ۲۰۳۰ پرداخته و در نتیجه تأثیر شاخص‌های توسعه پایدار بر حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس مورد بررسی و دقت نظر قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مکاتب فکری توسعه پایدار

شاخص‌ها یا مکاتب فکری توسعه پایدار به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- مکتب فکری با ملاحظات اقتصادی که براساس نظریه‌های این مکتب، هر راهبردی که به افزایش بهره‌وری و سود نینجامد، ناپایدار محسوب می‌شود. ۲- مکتب فکری که با ملاحظات زیست محیطی که به پایداری از نقطه نظر زیست محیطی توجه می‌کند و عقیده دارد هر فعالیتی که محیط زیست را آلوده یا تخریب نماید و یا تعادل زیست محیطی را بر هم بزند، ناپایدار تلقی می‌شود. ۳- مکتب فکری با ملاحظات حفظ منابع محیط اجتماعی که به پایداری از نقطه نظر حفظ ارزش‌های انسانی و اجتماعی توجه دارد

اجرای شاخص‌های توسعه پایدار از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؛ با اینحال اتخاذ راهبرد جامع توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، از مهم‌ترین موضوعاتی است که کشورهای حوزه خلیج فارس در سطح ملی و بین‌المللی برای پیشبرد جایگاه حقوق محیط زیست دریایی به آن نیاز دارند. چنانچه کشورهای منطقه‌ای خلیج فارس بتوانند گام به گام برای رسیدن به هدف والایی همچون بومی‌سازی اهداف توسعه پایدار دستور کار ۲۰۳۰ در این منطقه، تلاش کنند، هدف اصلی از ایجاد دستور کار مشترک و بومی و دستیابی به اجرایی شدن این اهداف حاصل گردیده است.

بررسی نقش اهداف توسعه پایدار در منابع حقوق

بین‌الملل محیط زیست

تحقق اهداف حقوق بین‌الملل محیط زیست در جهان امروز، با سازوکارهایی که به منظور پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست طراحی شده است، میسر می‌شود. بسیاری از این سازوکارها به دلیل ضعف ضمانت اجرای مستحکم، در برخی از موارد نادیده گرفته می‌شود؛ با این حال، حقوق بین‌الملل محیط زیست در مسیری گام بر می‌دارد که تعهداتی از درجه نرم را در قالب قواعد قوام یافته‌ای شناسایی کند که در صورت نقض، به نحو سازمان یافته‌ای جبران شود (شهبازی، برلیان، ۱۳۹۷). از دل اسناد نرم و قوام نیافته‌ای همچون دستور کار ۲۱ و سند ۲۰۳۰ که نه تنها به عنوان اسناد حقوقی بلکه در قالب الگوی مورد تفاهم بین‌المللی به شمار می‌آیند، می‌توان به قوانین سخت و الزام‌آوری همچون کنوانسیون‌ها، دست پیدا کرد. با اینکه به علت اتکا بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و ... از ضمانت اجرای حقوقی قدرتمندی برخوردار نیستند، اما حقوق بین‌الملل محیط زیست روندی تدریجی را به سوی حقوق سخت پیش گرفته است. از همین رو توسعه پایدار به عنوان نتیجه‌ای از یک اراده و اختیار معرفی می‌گردد که غیرالزام آور و سندی یک طرفه است و نیز از نظر قانونی همسان و همانند با آراء مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد. (Pogge; Sengupta, 2015). با گذشت سال‌ها از زمان رویکرد زیست محیطی جامعه بشری و با وجود

خلیج فارس به علت وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و گذرگاه تنگه هرمز و نیاز جهان صنعتی به این ذخایر از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی در عرصه بین‌الملل برخوردار است. میدان گازی پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان گازی جهان و میدان نفتی السفانیه بزرگ‌ترین میدان نفتی دریایی جهان هستند که در خلیج فارس قرار دارند. براساس تخمین‌های موجود منطقه خلیج فارس دارای بیش از ۹۰ درصد ذخایر نفت و ۳۸ درصد گاز طبیعی است. (Cordsman, 1999) به منظور اجرای یک برنامه توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس و دریای عمان هر چند حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی یک بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه را تشکیل می‌دهد، با این وجود اگر مسئله حفاظت از منابع زنده دریایی از جمله منابع متنوع دریایی، ژنتیک و نیز چگونگی بهره‌برداری از آنها مورد توجه قرار نگیرد، چنین برنامه‌ای کامل نخواهد بود (طلایی، ۱۳۸۱).

از میان هشت کشور محصور در این خلیج، کشور ایران و عربستان قدرت منطقه‌ای به‌شمار می‌روند و عراق نیز چنین وضعیتی را پیش از دهه ۱۹۹۰ داشته است. اما کشورهای دیگر، قدرت‌های کوچک هستند. با وجود این، توجه قدرت‌های بزرگ به منطقه خلیج فارس و وجود دو قدرت منطقه‌ای که رقابت‌ها را در منطقه افزایش می‌دهد، در حفظ امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بسیار مهم است (کشیشیان سیرکی و همکاران، ۱۳۹۸). بر این اساس، با توجه به ویژه بودن منطقه زیست‌محیطی خلیج فارس، مسئولیت‌پذیری دولت‌های حاشیه‌ای نقش عمده‌ای نسبت به اجرای شاخص‌های توسعه پایدار و جلوگیری از ورود ضرر و آسیب‌ها، ایفا می‌نماید.

اینکه اصل مسئولیت مستقل توسط هر هشت کشور مذکور به خاطر سپرده شود و نتایج قانونی ناشی از آن که اساساً نقض هر تعهدی موجب مسئولیت خواهد بود، را بپذیرند؛ بنابراین رفتار متعهدانه و همسو از سوی کشورهای منطقه‌ای، برای اقدامات حفاظتی در این مقوله، مسیری پیشگیرانه به نظر خواهد رسید.

یافته‌های تحقیق

یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین انسان‌ها حق بر داشتن محیط زیست سالم و امکان بهره‌برداری شایسته از آن است. اصل سیزدهم اعلامیه استکهلم رابطه بین حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را بیان می‌دارد، به موجب این اصل برای آن که توسعه پایدار باشد باید دولت‌ها روشی جامع و هماهنگ در برنامه توسعه خود اتخاذ نمایند به نحوی که توسعه آنها با ضرورت‌های پیشرفت و بهبود محیط زیست در جهت منافع آحاد مردم منطبق باشد. اصل چهارم اعلامیه ریو در این رابطه صراحتاً اعلام می‌دارد، برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد و نمی‌تواند جدای از آن باشد. بنابراین نباید فراموش کرد که برای آن که توسعه پایدار باشد باید فرایند توسعه با حفاظت از محیط زیست همراه باشد؛ در غیر این صورت توسعه، ناپایدار و موقتی خواهد بود. از اینرو ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ صراحتاً دول متعاقد را ملزم به حفاظت از محیط‌زیست دریایی می‌کند. همچنین در کنوانسیون منطقه‌ای کویت ۱۹۷۸ به حفاظت و حراست از محیط‌زیست دریایی، همگام با دفع آلودگی و جلوگیری از آلودگی اشاره دارد. اقیانوس‌ها، همراه با منابع ساحلی و دریایی، نقش اساسی در رفاه انسان و توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان بازی می‌کنند. استفاده پایدار و حفاظت دریایی و اکوسیستم‌های ساحلی و تنوع زیستی‌شان برای دستیابی به دستورکار ۲۰۳۰ برای جزایر کوچک در حال توسعه ضروری است (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۷). منطقه دریایی خلیج‌فارس و دریای عمان دارای زیستگاه‌های حساس می‌باشد. به دلیل تردد سالانه تعداد زیادی فروند کشتی اقیانوس پیما و فعالیت‌های گسترده استخراج منابع نفتی از بستر دریا، سازمان بین‌المللی دریانوردی بنا به تقاضای دولت‌های ساحلی، توافق نمود که مقررات ویژه‌ای به منظور پیشگیری از آلودگی در منطقه دریایی خلیج‌فارس و دریای عمان به مورد اجرا گذاشته شود. اجرای این مقررات در منطقه ویژه دریایی اقدامی مؤثر برای حفاظت از محیط زیست ارزشمند خلیج‌فارس و دریای عمان می‌باشد. ناحیه‌ای که به دلایل اکولوژیک،

تشکیل کنفرانس‌های عظیمی همچون کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، کنفرانس ریودوژانیرو ۱۹۹۲ و کنفرانس ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و تسری دیدگاه توسعه پایدار اما همچنان در جهت وخیم‌تر شدن اوضاع پیش رفته است. منابع قابل تجدید به میزانی مورد استفاده قرار گرفته که به روشنی می‌توان گفت به منابع ناپایدار تبدیل شده‌اند (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱). در منطقه خلیج فارس، قوانین باید به صورت تکالیف کلی دولت‌ها به جهت حفاظت از محیط زیست دریایی، در قالب یک سیستم همکاری منطقه‌ای اعمال شود. کنوانسیون کویت مانند کنوانسیون‌های منطقه‌ای دیگر در قالب طرح‌های عملیاتی قابل اجرا می‌باشد، اما مولفه‌های اصلی مدیریت محیط زیست، ارزیابی محیط زیست، قوانین و مقررات محیط زیست و توافقات مالی و ساختاری موجود در چارچوب طرح‌های عملیاتی به صورت شفاف و جزء به جزء در مفاد کنوانسیون لحاظ نشده است. همچنین مسائلی مانند فرماندهی واحد در منطقه و استقرار گشت‌های دوره‌ای با همکاری کشورهای منطقه و پایش زیست محیطی پروژه‌ها، مدنظر قرار نگرفته است. از طرف دیگر از آنجا که خلیج فارس در طول دهه‌های گذشته شاهد رخداد‌های جنگی متفاوت افزایش، تردد کشتی‌ها، بستن قرارداد با پیمانکاران خارجی طبق استانداردهای کنوانسیون و پروتکل‌های آن بدون در نظر گرفتن الزاماتی که برای مناطق ویژه اعلام شده است، می‌باشد، با این حال هیچ اقدامی در جهت به روز آوری و بازنگری مفاد کنوانسیون صورت نگرفته است (شجاعی و همکاران، ۱۳۸۶). در واقع در حالی که اجرای سیاست‌های توسعه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، سیاست‌های کلی در همه کشورها تقریباً از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند. بدیهی است که دستیابی به توسعه پایدار، چالش عظیمی بوده و نیازمند اتخاذ تصمیمات سیاسی قوی در این باره است. (سلیمی و ترکمانی، ۱۳۹۲).

حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس از طریق اجرای شاخص‌های توسعه پایدار

عمل می‌کند. اجماع عربی برای توسعه پایدار یک ساختار منطقه‌ای مقدماتی برای بازبینی اجرای اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ در مناطق عربی است و با توجه به پیشرفت جهانی شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹)، اجماع عربی برای توسعه پایدار تا اطلاع ثانوی معوق خواهد شد.^۴

انطباق اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ با توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس

اراده دستورکار توسعه پایدار، بر ایجاد دستورکاری کامل و یکپارچه است. جنبه وسیعی از میحث کامل دستورکار توسعه پایدار به نوبه خود نشان می‌دهد که قصد ملت‌های جهان برای تجمیع اهداف بلند مدت در دستورکار واحدی است. سند ۲۰۳۰ شامل ۱۷ هدف اصلی است که در جهت افزایش کیفیت زندگی و کاهش عوامل زیان‌بار محیطی و اقتصادی و اجتماعی و افزایش آگاهی مردم و جامعه طراحی شده است. با توجه به گستردگی اهداف این دستورکار، مقدر نیست تمامی ابعاد آن در یک مقاله پژوهشی بررسی شود. بنابراین در ادامه سعی بر این است به بررسی اهداف کاربردی ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷ از سند ۲۰۳۰ که مرتبط با نوشتار حاضر می‌باشد؛ پرداخته و انطباق آنها با مؤلفه‌های توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس مورد توجه قرار گیرد. آرمان ۱۲ و اهداف خرد این هدف کلان سند ۲۰۳۰ که مربوط به تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف است مستلزم تدوین برنامه‌های عملیاتی و اجرایی دقیق، ارتباط عمیق و تنگاتنگ بخش‌های اساسی و تأثیرگذار اقتصادی در کشورها است. این هدف به خودی خود نمایانگر ایجاد الگویی هدفمند برای پیاده‌سازی در منطقه محیط‌زیست دریایی خلیج فارس بوده و می‌تواند از طریق اجرای چارچوب برنامه‌های ۱۰ ساله با مشارکت کشورهای حوزه خلیج فارس و نظارت کشورهای توسعه‌یافته کارآمد باشد که از سویی نیازمند مدیریت پایدار زیست‌محیطی مواد شیمیایی و کلیه مواد زاید در قالب چارچوب استانداردهای مورد توافق بین‌المللی می‌باشد که حتی در این زمینه برای هماهنگ‌سازی مردم حاشیه نشین لازم است به جهت

اجتماعی - اقتصادی یا علمی و آسیب‌پذیری نسبت به فعالیت‌های دریانوردی نیازمند حمایت ویژه از سوی سازمان بین‌المللی دریانوردی است. کشورهای خلیج فارس باید با تدبیر و کارایی خاص هر چه بیشتر در حفظ محیط زیست این منطقه کوشا باشند و برای جلوگیری از به خطر افتادن اکوسیستم آبی منطقه حداکثر تلاش خود را انجام دهند، اگرچه در این زمینه پژوهش‌های فراوان انجام شده بنابراین در جهت بهسازی و پاکسازی این اکوسیستم از آلودگی‌ها، همکاری‌های زیست محیطی کشورهای پیرامون خلیج-فارس در جهت تصمیم‌گیری صحیح و راهبردی ضرورت داشته و همچنین رعایت دقیق قراردادهای بین‌المللی، جلوگیری از آلودگی دریایی و ترابری صحیح قوانین و ضوابط محیط زیست دریایی جزء ملزومات هستند. سهم اصلی آگاهی از حساسیت محیط زیست خلیج فارس در مقابل آلودگی‌ها و لزوم اعمال ضوابط دقیق جهت حفظ آن مربوط به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد، همان‌طور که آلودگی و تخریب دریا از مرزهای ملی و منطقه‌ای فراتر می‌رود، حفاظت از آن نیز محدود به مرزهای ملی نمی‌شود و خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نیست و بدون همکاری کشورهای ساحلی اصولاً حفاظت از این منطقه امکان‌پذیر نمی‌باشد (امامی قشلاق و همکاران، ۱۳۹۱) بر طبق گزارش منتشر شده در سازمان ملل در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰، مناطق عربی نمی‌توانند به اهداف توسعه پایدار دست پیدا کنند. زیرا کشورهای عربی در مسیر درستی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دستورکار ۲۰۳۰ نیستند. همچنین در گزارش آمده است که مراقبت از سلامتی از عوامل مؤثری است که هم بالابردن کیفیت آن و هم دستیابی به آن، از مواردی است که کشورهای عربی باید از عهده آن برآیند. هزینه‌های تحقیقات و توسعه کمتر از ۶۰ درصد میانگین جهانی گزارش شده است که باید افزایش پیدا کند.^۵ سازوکار عرضه جهانی و منطقه‌ای برای ارتقای دستورکار ۲۰۳۰ از طریق اجماع عربی برای توسعه پایدار^۳ صورت می‌پذیرد و بر عملیات واقعی که نیازمند پیشرفت سریع در اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ است، توجه دارد که هماهنگ با عنوان اعلامیه سیاسی

برای مدیریت محیط زیست دریایی و تغییرات آب و هوایی اساسی است. علی‌ای حال تقویت همکاری‌ها و هماهنگی‌های بین‌المللی از جمله همکاری‌ها و هماهنگی‌های منطقه‌ای در خلیج فارس ضروری و منطقی به نظر می‌رسد. اشاره هدف ۱۵ به پاسداشت، احیاء و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس سازی روند تخریب یا فرسایش (زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی) است. بهتر است اقدامات فوری برای پایان دادن به صید غیرقانونی و قاچاق گونه‌های حفاظت‌شده گیاهی و جانوری انجام گیرد و همچنین اقدامات لازم برای پیشگیری از پدیدار شدن گونه‌های بیگانه و مهاجم صورت گیرد. پیرو آن برنامه‌ریزی‌های ملی و محلی مربوط به فرایندهای توسعه و راهبردها و رویکردهای کاهش فقر، با توجه به ارزش بوم‌سازگان‌ها و تنوع زیستی ترتیب داده شود. از جمله مسائلی که در ارتباط با هدف ۱۷ سند مذکور یا به عبارتی تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار مطرح می‌شود این است که مسئولیت برای دستیابی به اهداف بر عهده خود کشورهای حوزه خلیج فارس است. پویایی و یکپارچگی اجزای توسعه پایدار، باعث می‌شود تا هرگونه اختلالی در هریک از اجزای اقتصادی، اجتماعی و به ویژه محیط‌زیستی آن در یک منطقه جغرافیایی، سایر محدوده‌های جغرافیایی را در نقاط دیگر جهان نیز تحت‌تاثیر قرار دهد. از اینرو بسیاری از مشکلات و مسائل توسعه پایدار که جامعه جهانی مبتلا به آن است، ماهیت فراملی دارند و فائق شدن به این معضلات در گرو همکاری و تشریک مساعی کلیه کشورهای جهان است. به همین علت در آلمان ۱۷ بر تقویت ابزارهای اجرا و احیاء مشارکت جهانی به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار تاکید شده است. این آلمان و اهداف و شاخص‌های ناظر بر آن فرصت‌هایی را در اختیار کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار می‌دهد تا با بسیج منابع و توانمندی‌های خود بتوانند به تقویت همکاری‌ها و مشارکت برای تحقق آرمان‌ها و اهداف توسعه پایدار گام بردارند. کشورها ملزم هستند،

بهره‌مندی صحیح از این میراث مشترک، اطلاع رسانی شود و آگاهی‌های مرتبط و لازم پیرامون توسعه و سبک زندگی پایدار و هماهنگ با محیط‌زیست را در اختیار داشته باشند. به گونه‌ای که ملاحظه می‌شود در هدف ۱۳ سند ۲۰۳۰ که مربوط به اقدام فوری برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن است؛ در حال حاضر این حقیقت که بشر وضعیت جو زمین را تغییر می‌دهد، به وضوح روشن شده و این پدیده، انگیزه و محور فعالیت‌های گسترده محیط‌زیستی در سطح کشورها و ملل متحد شده است. طبیعی است اگر علت اصلی این امر را در رشد بی‌رویه جمعیت و متعاقب آن نیاز به فناوری و در نتیجه افزایش تقاضای جامعه جهانی برای حامل‌های انرژی جستجو کرد. حکمرانی تغییر اقلیم باید در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی به گونه‌ای استقرار یابد که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها، اعم از دولتی و غیردولتی بتوانند برنامه‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با اثرات آن را به عنوان بخشی از زندگی روزمره و فضای توسعه‌ای کشور به اجرا گذارند و در اثر ارتقاء تاب‌آوری محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (توسعه پایدار) همه اقشار و طبقات به دلیل مشارکت بالا از نتایج آن برخوردار شوند. هدف ۱۴ سند ۲۰۳۰، مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی است. از آنجایی که اقیانوس‌ها، همراه با منابع ساحلی و دریایی، نقش اساسی در رفاه انسان و توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان بازی می‌کنند؛ استفاده پایدار و حفاظت دریایی و اکوسیستم‌های ساحلی و تنوع زیستی‌شان برای دستیابی به دستورکار ۲۰۳۰ برای جزایر کوچک در حال توسعه ضروری است. آنها هم چنین در تنظیمات اکوسیستم جهانی با جذب گرما و دی اکسیدکربن از جو و حفاظت از مناطق ساحلی در مقابل جاری شدن سیل و فرسایش کمک می‌کنند. در واقع، منابع ساحلی و دریایی حدود ۲۸ تریلیون دلار در هر سال به اقتصاد جهانی از طریق خدمات اکوسیستم کمک می‌کنند (داودیان و اسکندری ثانی، ۱۳۹۶). از این منظر بهره‌وری پایدار و حفظ منابع دریایی تحت اختیار هر کشور بوده که شناسایی تهدیدها و فرصت‌های حساس

دنیا از این آبراه انجام می‌شود در معرض بسیاری از آلودگی‌های نفتی و غیره قرار دارد. با توجه به کشورهای مختلفی که در اطراف خلیج فارس هستند، رعایت نکات توسعه پایدار که دارای شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌باشد بخشی از قوانین کشورها در این منطقه را فراهم می‌آورند. بسیاری از قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌ها به این موضوع اشاره داشته‌اند که کشورها می‌بایستی اصول مربوط به توسعه پایدار را رعایت نمایند. کشورهای حوزه خلیج فارس نقش مهمی در توسعه پایدار خلیج فارس دارند. با اینکه محیط زیست خلیج فارس از نظر موقعیت جغرافیایی، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی و منافع کشورهای ساحلی به موضوعی ژئوپولیتیکی تبدیل شده است اما به نظر می‌رسد هنوز کشورهای ساحلی به درجه قابل قبولی از اهمیت مسئله محیط زیست خلیج فارس نرسیده‌اند. دستورکار ۲۰۳۰ به نوعی مکمل اهداف تحقق نیافته سند توسعه هزاره (۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵) است. اراده دستورکار توسعه پایدار، بر ایجاد دستورکاری کامل و یکپارچه است. جنبه وسیعی از مبحث کامل دستورکار توسعه پایدار به نوبه خود نشان می‌دهد که قصد ملت‌های جهان برای تجمیع اهداف بلند مدت در دستورکار واحدی است. از بین مهم‌ترین موضوعاتی که کشورهای حوزه خلیج فارس در سطح ملی و بین‌المللی برای پیشبرد جایگاه حقوق محیط زیست دریایی به آن نیاز دارند، اتخاذ راهبرد جامع توسعه پایدار و حفظ محیط زیست است. با وجود تفاوت‌هایی اما برخی ویژگی‌های توسعه‌ای مشترک میان کشورها وجود دارد که می‌تواند زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم سازد. با این حال اجرای شاخص‌های توسعه پایدار از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما سیاست‌های کلی در عمده کشورها تا حدودی از الگوی یکسانی پیروی می‌کند. چنانچه کشورهای منطقه‌ای خلیج فارس بتوانند گام به گام برای رسیدن به مقصود عالی‌تر یعنی بومی‌سازی اهداف توسعه پایدار دستورکار ۲۰۳۰ در این منطقه، هدف اصلی از ایجاد دستورکار مشترک و بومی و دستیابی به اجرایی شدن این اهداف حاصل گردیده است؛ زیرا با توجه به مواضع ناعادلانه و موانع مختلف

منابع داخلی را برای تأمین مالی برنامه‌های خود بسیج کنند و برای تقویت مدیریت اقتصادی، اصلاحات سیاستی را به گونه‌ای به اجرا درآورند که همه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شوند و ظرفیت‌های آماری و اطلاعاتی، صادرات، پاسخگویی، فناوری اطلاعات را توسعه دهند. یکی از مهمترین اهدافی که در آرمان هفدهم بر آن تأکید شده است، دسترسی به داده‌ها، اطلاعات و انتشار فناوری‌های معقول از منظر زیست محیطی است. با استفاده از چشم‌انداز علمی و عملی پایداری جهانی در سند ۲۰۳۰ و بر طبق هدف ۱۷، هفت مورد ابزار اجرایی که می‌توان برای بهبود روابط در سطح جهانی و ملی در نظر گرفت، عبارتند از: ابزار مالی، فناوری، ظرفیت‌سازی، تجارت، انسجام سیاست، مشارکت و سرانجام نظارت بر داده‌ها و پاسخگویی. مسلماً تحقق این ابزارهای اجرایی بدون مانع و چالش میسر نخواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر طبق فرهنگ و سیاست‌های مختلف در کشورهای حوزه خلیج فارس و نتایج به دست آمده در توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس، موارد بررسی شده را می‌توان براساس وضعیت پایداری این گونه بیان نمود که دنیای محیط زیست بدون توسعه پایدار بی‌معناست و دوامی ندارد. متأسفانه در سال‌های اخیر عوامل مختلفی چون افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده غلط از منابع طبیعی باعث بروز آلودگی شدید و زیست محیطی این منطقه گردیده است؛ محل عبور و مرور انواع شناورها، تخلیه مواد آلاینده آنها به خلیج فارس و تخلیه انواع شیمیایی خطرناک از عمده‌ترین عوامل آلودگی محیط زیست دریایی خلیج فارس به شمار می‌آید که توانسته‌اند در اندک زمانی اکوسیستم بی نظیر آن را آلوده نماید و بدین طریق آبزیان و موجودات آن را با خطر نابودی روبه رو کند. یکی از موضوعاتی که در سال‌های گذشته در قوانین زیست محیطی و حقوق کشورها مطرح شده است بحث توسعه پایدار می‌باشد. منطقه خلیج فارس به عنوان یک محیط زیست دریایی که اکثر مبادلات نفتی

عنوان جزوی از نظام حقوقی داخلی، درونی‌سازی بشوند، ملموس‌تر خواهند بود و بهتر رعایت خواهند شد. همان‌طور که ملاحظه گردید شاخص‌های توسعه پایدار علی‌رغم حرکت کند به سوی توسعه همه‌جانبه، نهایتاً منجر به برقراری تعادل میان رشد اقتصادی و حفاظت زیست محیطی می‌شوند. تضمین پایداری جهانی شدن در گرو ارتقای همکاری کشورها و کاهش شکاف میان فقرا و اغنیا در سراسر جهان است که از راه‌های مختلف امکان‌پذیر است و در ادامه به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

پیشنهادات:

- انعقاد توافقات بین‌المللی به جهت حل مشکلات زیست محیطی جهانی از طریق مقامات زیست محیطی منطقه‌ای؛
- انعقاد توافقات بین‌المللی به جهت همکاری بین کشورهای توسعه‌یافته و با پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی در زمینه انتقال فناوری‌های نوین؛
- امضای موافقت‌نامه میان کشورهای منطقه خلیج فارس برای به روز کردن کشتی‌های نفت کش به جهت جلوگیری از آلودگی‌های نفتی.
- بدین ترتیب اجرای اهداف کاربردی و جامع محیط زیستی در دستور کارهای توسعه‌پایدار در سطح بین‌المللی، دستیابی به تعادل میان شاخص‌های توسعه پایدار را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

بین‌المللی از جمله: تحریم‌های بین‌المللی، جنگ و ... شرایط هر کشور متفاوت از دیگر کشورها به جهت قرارگیری در وضعیت نامطلوب یا مطلوب محیطی است و بررسی این موارد باید توسط حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان تک‌تک کشورهای منطقه که آشنا به اوضاع داخلی و ملی هستند به‌طور دقیق به عمل آمده و در مرحله بعد با مشارکت دولت‌ها با دست‌یابی و تدوین دستورکاری جامع و مشترک به حل مشکلات ماقبل و پیش رو بپردازند. از طرف دیگر منتقدین دستورکار ۲۰۳۰ اذعان می‌دارند که «دستورکار ۲۰۳۰ کشتی نوح نجات بخش نسل بشر از انقراض و پایان تاریخ نیست؛ بلکه تداوم پروژه غربی‌سازی، نقشه راه جهانی‌سازی و حاکمیت سرمایه‌سالاری به دست تمامی کشورهای عضو سازمان ملل می‌باشد» و همچنین از الگوسازی به قبله‌سازی تعبیر کرده‌اند. با این اوصاف رسیدن به راه‌حلی که از منظر محیط‌زیستی بهترین راه‌حل به نظر می‌رسد، از نظر یک حقوق‌دان بین‌الملل محیط‌زیست نمی‌تواند بهترین راه باشد؛ اما به هر حال درست به نظر نمی‌رسد که بتوان حفظ توسعه‌پایدار را از اهداف گسترده جهانی جدا کرد. همچنین یکی از مزیت‌های دستورکارهای جهانی این است که با سیاست‌گذاری‌های جامع و هدفمند، دولت‌ها را ترغیب به حل دغدغه‌های زیست‌محیطی از طریق قانون‌گذاری داخلی و بومی می‌کند که خود پیش‌نیازی برای مؤثر بودن سازوکارهای تدوین شده از سوی حقوق‌دانان برجسته جهانی است و نکته حائز اهمیت این است که چنانچه قواعد زیست‌محیطی، به

پی‌نوشت

- 1-Agenda21, CHARTER FOR FUTURE, RIO – 1992
- 2-<https://www.unescwa.org/news/arab-region-will-not-achieve-SDGs>

- 3-The Arab Forum for Sustainable Development (AFSD-2020)
- 4-<https://www.unescwa.org/events/postponed-arab-forum-sustainable-development-2020>

- پورهاشمی، ع. و ارغند، ب.، ۱۳۹۲. حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات دادگستر، تهران، ۲۹۳ ص.
- <http://www.dadgostarpub.ir/default.aspx?BooksView=1&index=65>

منابع

- بیگ زاده، ا.، ۱۳۹۳. تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

- پطروس، غ.، ۱۳۸۱. حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود: صلح، توسعه، دموکراسی، مترجم: ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی: ۳۵ و ۳۶.
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_e_56557.html
- پوراصغر سنگاچین، ف.، ۱۳۹۴. اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه: ۱۸۶، ص ۴۶-۶.
<http://ensani.ir/file/download/article/20160829130017-9625-425.pdf>
- داودیان، ا. و اسکندری ثانی، م.، ۱۳۹۶. آمایش سرزمین، ضرورت بنیادین توسعه پایدار محیط زیست، چهارمین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت.
<https://cv.birjand.ac.ir/eskandarisani/fa/articlesInConferences/2311/>
- دبیری، ف.، خلعتبری، س. و زارعی، س.، ۱۳۹۷. دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه انسان و محیط زیست: ۴۴، ص ۶۳-۷۳.
https://he.srbiau.ac.ir/article_12385
- شجاعی، س.، دبیری، ف. و فرشچی، پ.، ۱۳۸۷. بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست: ۱۰(۲)، ص ۷۵-۸۶.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=83273>
- شهاب الدین، ع.، ۱۳۹۲. مالکیت فکری و توسعه پایدار، آداک، تهران.
<https://www.gisoom.com/book/1948850>
- Cordman, A., 1999. The Middle East and Geopolitics of Energy: A Graphic Analysis. part one, CSIS, Washington DC.
- Dippenaar, S., 2004. Developing Countries' Perspective on Energy and Water Issues. Council for Scientific and Industrial Research, South Africa, In Integrating Science and Technology into Development Policies, An International Perspective, Organization for Economic Cooperation and Development, 271.
- Friedrich, J., 2013. International Environmental "soft law". Berlin, Heidelberg: Springer-Verlag.
<https://in.b-ok.as/book/2303609/213067>
- Lele, S., 1995. Sustainable Development: A Critical Review. World Development, 19.
https://econpapers.repec.org/article/eeewdevel/v_3a19_3ay_3a1991_3ai_3a6_3ap_3a607-621.htm
- شهبازی، ا.، ۱۳۸۹. توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری: ۴۲، ص ۱۲۵-۱۳۹.
<http://ensani.ir/fa/article/221424/>
- شهبازی، ا. و برلیان، پ.، ۱۳۹۷. نقش زیست فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی: ۴۸(۱)، ص ۲۳-۴۳.
<http://ensani.ir/fa/article/382591/>
- عزیزی، س. و موسوی، م.، ۱۳۹۵. پرونده گابچیکو-ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته سازی مفهوم توسعه پایدار، مجله حقوقی بین‌المللی: ۵۵، ص ۱۰۹-۱۳۴.
<http://ensani.ir/fa/article/378093/>
- کرم زاده، س.، ۱۳۸۲. کنوانسیون تنوع زیستی و حقوق مالکیت فکری: مطالعه‌ای در توسعه پایدار، مجلس و پژوهش: ۱۰(۳۸)، ص ۲۳۵-۲۵۱.
<http://ensani.ir/fa/article/185490/>
- کرمی، ع. و فنایی، ا.، ۱۳۷۳. بررسی نظریه پردازی‌ها در ترویج، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی سازمان جهاد سازندگی، تهران، ۲۹۲ ص.
<https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/1111864>
- مهرآرا، ا.، مدانلو جویباری، س. و زارع زیدی، ع.، ۱۳۹۷. بررسی نقش حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار، دوم‌ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه: ۳(۳)، پی‌اپی ۱۰(۱)، ص ۱۰۵-۱۱۵.
<http://ensani.ir/fa/article/379121/>